



پلیس گردنبدن طلا را به صاحب رساند

ماموران پلیس راه میامی - سبزوار، گردنبدن طلای مفقود شده را به صاحب آن برگرداندند. صاحب گردنبدن زنی مسافر بود که در ایام نوروز گردنبدن خود را در یکی از پارکینگ‌های بین راهی گم کرده بود. در این شرایط ماموران کشت به جست‌وجو پرداختند و موفق شدند گردنبدن گمشده را پیدا کنند و به صاحبش بازگردانند.

بسته خبری خارجی

قتل برای انجام تکالیف مدرسه



دختر ۱۳ساله انگلیسی که برای فرار از تکالیف مدرسه، مادرش را به قتل رسانده و خانه را به آتش کشیده بود، مجرم شناخته شد.

به گزارش همشهری به نقل از ای بی سی، بامداد یکی از روزهای ماه گذشته میلادی پلیس نورث‌همتون انگلیس، در جریان آتش‌سوزی یک خانه قرار گرفت. آتش‌نشانان پس از حضور در محل حادثه، تلاش کردند ساکنان خانه را از محاصره آتش نجات دهند و توانستند ۳۰کودک را از آنجا خارج کنند اما بعد از خاموش شدن آتش، جسد مادر ۴۳ساله خانواده را به نام مار تایدنر چیک در خانه یافتند. در ابتدا پلیس باور داشت که او در آتش‌سوزی جان خود را از دست داده است اما در بررسی پزشکی قانونی مشخص شد که او قبل از آتش‌سوزی با ضربات چاقو بر گردنش به قتل رسیده است. بدین ترتیب تحقیقات برای شناسایی قاتل آغاز شد و سرخنها پلیس را به دختر ۱۳ساله خانواده رساند. او بازداشت شد و در بازجویی‌ها اعتراف کرد که همیشه با مادرش درگیر بوده است. از گفت: از مادرم متنفر بودم و شب حادثه وقتی بر سر انجام تکالیف مدرسه با هم درگیر شدیم، نقشه قتل او را کشیدم و منتظر ماندم تا همه به خواب بروند. بعد به آشپزخانه رفتم و چاقو را برداشتم و خود را به اتاق خواب مادرم رساندم و در حالی که او خواب بود، چند ضربه چاقو به او زدم. بعد از اینکه مطمئن شدم او دیگر نفس نمی‌کشد، برای اینکه در دام پلیس نیفتم، خانه را به آتش کشیدم. براساس گزارش پلیس این دختر اکنون در بازداشت به سر می‌برد و بررسی درباره این پرونده ادامه دارد.

دستگیری قاتلی که به اشتباه آزاد شده بود

دستگیری دوباره یک قاتل که به اشتباه آزاد شده بود، از دیگر اخبار رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. به گزارش سی‌بی‌اس، اوایل ماه گذشته، مأموران زندان ایالت جورجیا آمریکا متوجه یک اشتباه بزرگ شدند. آنها یک زندانی به نام کاتان گرمن، ۲۲ساله را که سال گذشته به جرم قتل دلیلا گریسون نامزد ۱۹ساله‌اش به حبس ابد محکوم شده بود، به اشتباه آزاد کرده بودند.

براساس این گزارش، تا یک هفته بعد، دفتر خدمات زندان متوجه این اشتباه نشده بود تا اینکه معلوم شد نام کاتان در سیستم زندان وجود ندارد. مقامات زندان وقتی این موضوع را بررسی کردند، متوجه شدند که او آزاد شده است. بررسی‌ها نشان داد که کاتان به واسطه یک «خطای کنونیسی» در سیستم زندان آزاد شده است. تحقیقات نشان می‌داد که مدارک او هنگام آزاد شدن نیز به دقت بررسی نشده بود. بدین ترتیب تحقیقات گسترده‌ای برای پیدا کردن مخفیگاه او آغاز شد و بعد از ۲هفته، پلیس متوجه شد که او در خانه‌ای در ایالت فلوریدا مخفی شده است. بدین ترتیب او توسط گروه ویژه تعقیب فراریان دستگیر شد و اکنون در زندان اورنج کانتی نگهداری می‌شود.

حادثه

محکومیت قتل عام ۸کارگر پاکستانی



به دنبال قتل عام ۸کارگر پاکستانی در شهرستان مهرستان در سیستان و بلوچستان، سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام‌آباد این حمله بزدلانه را محکوم کرد.

به گزارش همشهری، در پی حمله مسلحانه به یک تعمیرگاه خودرو در روسستای هیزآباد پایین، واقع در شهرستان مهرستان، ۸کارگر پاکستانی کشته شدند. این حادثه واکنش شدید مقامات کشور را در پی داشت و تحقیقات رسمی در حال انجام است. حادثه بامداد شنبه، ۲۳فروردین ماه رخ داد و منابع کشور پاکستان که در حوزه تعمیر خودرو فعالیت می‌کردند، به‌دست افراد مسلح ناشناس به قتل رسیدند. مهاجمان بعد از ورود به تعمیرگاه و بستن دست و پای قربانیان، آنان را از فاصله نزدیک هدف گلوله قرار دادند. مقتولان همگی از اهالی ایالت پنجاب کشور پاکستان هستند. به دنبال این حادثه، وزارت امور خارجه پاکستان اعلام کرد که در حال پیگیری موضوع با مقامات ایرانی است. سفارت ایران در اسلام‌آباد نیز با تأیید خبر کشته شدن این شهروندان پاکستانی، ضمن ابراز تأسف عمیق، از آغاز تحقیقات فوری توسط پلیس ایران خبر داد. سیدمحسن نقوی، وزیر کشور پاکستان نیز با ابراز تأسف عمیق از این حادثه همدردی خود را با خانواده‌های جان‌باختگان اعلام کرد. روز گذشته، رسانه‌ها خبر دادند که گروه جدایی‌طلب پاکستانی موسوم به ارتش ملی بلوچستان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفته و مدعی شده است که قربانیان از اعضای نهادهای امنیتی پاکستان بودند.



کلاهبرداری ۳۵میلیاردی به بهانه سرمایه‌گذاری

کلاهبرداری که به بهانه صادرات در زمینه شيلات و دامداری توانسته بود از ۱۲شهریون ۳۵میلیارد تومان کلاهبرداری کند دستگیر شد. این فرد در یکی از استان‌های جنوبی کشور دست به کلاهبرداری زده و فراری شده بود که با تلاش مأموران مخفیگاه وی شناسایی و دستگیر شد.

ناگفته‌های پرونده قتل همسر ناصر محمدخانی در تلویزیون همشهری

## آیا شهلا همدست داشت؟

گزارش محمدجعفری روزنامه‌نگار



۲۳سال پس از قتل لاله سحرخیزان، همسر ناصر محمدخانی، فوتبالیست مشهور دهه‌های ۶۰ و ۷۰، به‌دست شهلا جاهد همسر صیغهای ناصر، همچنان افکار عمومی با ابهاماتی در این پرونده روبه‌رواست. برنامه سرخ تلویزیون همشهری که به بازخوانی پرونده‌های جنجالی دهه‌های اخیر می‌پردازد، با حضور عبدالصمد خرمشاهی، وکیل مدافع شهلا و همچنین مهدی ابراهیمی، روزنامه‌نگار حوادث به این پرونده پرداخته است؛ برنامه‌ای که بسیاری از ناگفته‌های این پرونده جنجالی در آن بازگو شده است. در این گزارش به چکیده این برنامه می‌پردازیم.

در صحنه بازسازی قتل چه گذشت؟

ابراهیمی: آن زمان من خبرنگار روزنامه ایران بودم و وقتی متوجه شدم که قرار است صحنه قتل بازسازی شود همراه عکاس روزنامه جلوی در خانه ناصر رفتم و منتظر ماندیم. اجازه ورود به ما ندادند. ۲۰دقیقه گذشته بود که وارد شومیم و عکس بگیریم. بازسازی از ابتدا انجام شد و ما هم عکاسی کردیم. شهلا جایی که شب قبل مخفی شده بود را نشان داد و بازسازی صحنه ادامه پیدا کرد. مدام درباره حادثه صحبت می‌کرد. حرف‌هایی می‌زد که تا آن خانه خارج شده بودند، لاله در آهنی را بسته بود و شهلا که او می‌گفت صبح که میهمان و بچه‌های لاله اعتقاد دارم که شهلا برای قتل به آنجا نرفته بود. اگر این نیت را داشت با خودش چاقو، دستکش و... می‌برد. شب قبل از اتفاق چون می‌دانست لاله و بچه‌ها مهمانی رفته‌اند به تصور اینکه شب آنجا می‌مانند با کلید پدکی که داشت وارد خانه شده بود. او بارها وقتی لاله به قطر یا شیراز می‌رفت و در خانه ناصر می‌شد و نسبت به آنجا شرافت داشت. به همین دلیل وقتی آنجا حضور داشت و دید لاله برگشته است مخفی شد تا راهی برای فرار پیدا کند. او تا صبح فردا راهی پیدا نکرده بود. این نکات را پلیس نمی‌دانست و بعد از بازسازی و از گفته‌های خود شهلا متوجه شده بود. او در ادامه نخستین ضربه را با چوب به لاله زده و بعد با چاقو شروع به ضربه زدن کرد و بعد.

آیا شهلا قاتل بود؟

خرمشاهی: من در دفاعیاتم شواهدی را آوردم که فرد یا افراد دیگری در صحنه قتل حضور و مداخلت داشته‌اند. مثلاً ته‌مانده‌های سسبگاری در محل حادثه بود؛ در حالی که شهلا سسگار نمی‌کشید. ما درخواست کردیم که این موضوع بررسی شود که سسگارها مربوط به چه کسانی است. در صحنه بازسازی نشان دادند که شهلا شب تا صبح مخفی شده بود؛ اما آیا مقدور است که یک نفر از شب تا صبح آنجا باشد و صدایی از او در نیاید و هیچ بخوابد دست به قتل بزند؟ وقتی آن زن با هم درگیر می‌شوند، طرف مقابل هم دفاع می‌کند. آثار خراشیدگی، مو، پوست و... باید در پزشکی قانونی بررسی می‌شود اما هیچ کدام انجام نشد و این موارد در شهلا و مرجمه وجود نداشت. در این پرونده ۲۶قاضی اظهار نظر کردند. ۱۲قاضی در مراحل بالاتر اعلام کردند شهلا مباشر جرم نبوده است.

در دادگاه چه گذشت؟

خرمشاهی: شهلا در دادگاه گفت من را هزار بار هم بزنید و بزنید، قتل ۲۰۰نفر را گردن می‌گیرم. از دادگاه درخواست کردم مطلقین و شهود را احضار کنند اما این اتفاق نیفتاد. رسیدگی به پرونده ناقص بود. صحنه بازسازی جرم که دلیل تلقی نمی‌شود. دلایل در آیین دادرسی کیفری مشخص است؛ اقرار، شهادت شهلا، علم قاضی، علم قاضی از کجا آمده؟ از اقرار منم که مقرون به واقع نبوده؟! در جلسه دادگاه فیلم بازسازی صحنه را نشان دادند؛ در حالی که فرزندان مقتول که خردسال بودند در دادگاه حضور داشتند. قانون اما حضور اطفال در دادگاه را منع کرده است. به نظرم احساسات را ترویج کردند. دادگاه باید در محیطی آرام و بی‌طرف باشد اما فضا احساسی بود.

جنایت چطور رخ داد؟

ابراهیمی: من شاهد بازسازی صحنه قتل بودم و همه را دیدم. در درگیری بین شهلا و لاله سحرخیزان، ضربات نوک چاقو به پای لاله اصابت کرده بود. لاله خواب بوده و شهلاول با چوب به میچگاه او زده و وی از خواب پریده و وقتی بلند شده شهلا نخستین ضربه را با چاقو زده و به سوی در فرار کرد. لاله از پشت موهای او را گرفته و در اینجا چهره به چهره می‌شوند. شهلا به حالت بر تایی با چاقو ضربه می‌زند و لاله زخمی می‌شود. من این نکات را در بازسازی صحنه دیدم. در دادگاه هم شهلا من را در پشت تریبون صدا کرد و در صحبت کردم. او می‌خواست بگوید یک نفر دیگر قاتل است. از من پرسیدند که در بازسازی صحنه به شهلا تلقین شد که چه بگوید و من هم گفتم هیچ تلقینی نشد.

۱۳اعتراف شهلا

ابراهیمی: شهلا ۱۳اعتراف داشت. اول گفته بود که من در خانه نشسته بودم و یک آشنا تماس گرفت که برو خانه ناصر و بین چه شده است. من هم رفتم و دیدم خبری نیست و به بهانه اینکه اینجا آیشگاه است داخل شدم. وقتی جسد را دیدم، رویش ملحفه انداختم و خارج شدم. دوم اینکه من آنجا مخفی شده بودم که ۵مرد آمدند و لاله را به قتل رساندند و فرار کردند و من هم صحنه را دیدم. سوم اینکه من خودم او را کشتم. پلیس اما نمی‌دانست که شهلا چطور صبح و روز خانه شده است تا اینکه ناصر سرخ اصلی را به پلیس داد و گفت: یک روز از مرتبات برگشتم به خانه مشترکیم با شهلا در خیابان نظر؛ برعکس همیشه شهلا آراسته نبوده، غذا آماده نبود و آشپخته بود... توضیح داد که من شب قبل وقتی در خانه‌ام بودم چه کار کرده بودم. گفتیم، پس تو هم در خانه مانده بودی و در آنجا مخفی شده بودی؟! من وقتی رفتم خانه دیدم جای نشستن او روی ملحفه مانده است. به همین دلیل پلیس و مقام قضایی به این نتیجه رسیدند که شب قبل از حادثه شهلا می‌توانسته آنجا مخفی شده باشد.

## شاهدی که فرشته نجات گروگانگیران شد



دادسرا

همه شواهد علیه گروگانگیران بود و به نظر می‌رسید آنها هنگام فرار با مرد همسایه درگیر شده و او را به قتل رسانده‌اند، اما بعد از گذشت ۹ماه، مردی که شاهد ماجرا بود اسرار این حادثه را فاش کرد.

به گزارش همشهری، اوایل تیرماه سال گذشته، خانواده پسر جوان به دادسرای جنبایی رفتند و خبر از بروده شدن فرزندشان دادند. پدر این پسر گفت: ما ساکن شهرستان شاهرود هستیم و پسرمان، پرام چند وقتی می‌شد که در جست‌وجوی کار مناسبی بود. او این اواخر در فضای مجازی با شخصی به نام سامان آشنا شده بود. سامان به پسرمان وعده یک کار مناسب در پایتخت داده بود. منظور که پرام می‌گفت، شرکتی بود که در زمینه ارز دیجیتال فعالیت می‌کرد. پسرمان به گمان اینکه کار مناسبی پیدا کرده برای مصاحبه راهی تهران شد، اما خبر نداشت که در دام تبهکاران افتاده است. شناسی ادامه داد: ۲۴ساعت پس از سفر پسرمان به تهران، مرد ناشناسی به ما زنگ زد و گفت پسرمان را گروگان گرفته. شخص ناشناس تهدید کرد که اگر ظرف ۱۲ ساعت مبلغ ۳۰میلیون تومان به حساب آنها واریز نکنیم، پسرمان را به قتل می‌رساند و جسدش را می‌سوزاند. از رومان این پول را به حساب گروگانگیران واریز کردیم، اما آنها در مرحله بعد به جای آزادی پسرمان، درخواست ۱۰۰میلیون تومان کردند که ما تصمیم گرفتیم شکایت کنیم.

سقوط مرگبار

مخفیگاه گروگانگیران را در جنوب شرق تهران شناسایی کردند. زمانی که مأموران برای دستگیری متهمان وارد عمل شدند، آنها به محض دیدن پلیس اقدام به فرار از محکمات پلیسی و اقدامات اطلاعاتی

شاهد از غیب رسید

تحقیقات در این پرونده ادامه داشت تا اینکه روز چهارم، مردی به نام سامان در تهران رفت و بعد از گذشت ۹ماه از زمان حادثه، اسرار پرونده را بازگشایی کرد؛ اسراری که گروگانگیران را از اتهام قتل تبرئه می‌کرد. او گفت: آن روز من در حال عبور از محل حادثه بودم که دیدم پلیس رسید و قصد دستگیری چند نفری را داشت که در خانه‌ای در آنجا حضور داشتند. دیدم که متهمان قصد فرار از طریق بالکن و پشت‌بام را داشتند. حتی مردی را که از بالکن سقوط کرد و جان باخت هم دیدم. متهمان او را هل ندادند. پایش سر خورد و تعادلش را از دست داد و بعد سقوط کرد. متهمان اگرچه در حال فرار از دست پلیس بودند، اما نقشی در مرگ او نداشتند. این شاهد ادامه داد: بعد از این حادثه راهی یکی از کشورهای اروپایی که اقامت آنجا را دارم شدم و وقتی برگشتم، متوجه دستگیری گروگانگیران شدم و وقتی فهمیدم آنها متهم به قتل شده‌اند، تصمیم گرفتم چیزی را که با چشم خودم دیدم به قاضی پرونده اطلاع بدهم. پس از ثبت اظهارات این شاهد و بررسی‌های تخصصی و مشخص شدن صحت گفته‌های او، گروگانگیران از اتهام قتل تبرئه شدند. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

طریق بالکن و پشت بام کردند. در جریان فرار آنها، مرد جوانی که در همسایگی خانه گروگانگیران زندگی می‌کرد از بالکن طبقه سوم به پایین سقوط کرد و جان باخت. هرچند گروگانگیران که هفت روز بودند، فرار کردند، اما مأموران موفق شدند ۲۰پسر جوان جوانی کار، از جمله جوان شاهرودی را که در خانه گروگانگیران زندانی شده بودند، آزاد کنند. از سوی دیگر، علاوه بر گروگانگیری و اخذی، پرونده قتل نیز علیه متهمان تشکیل شد، چراکه شواهد نشان می‌داد گروگانگیران هنگام فرار از خانه در همسایه را هل داده، او را به پایین پرت کرده و باعث قتل او شده‌اند.

دستگیری

جست‌وجو برای دستگیری گروگانگیران فراری ادامه داشت. از سوی دیگر، تحقیق از گروگان‌ها نشان می‌داد که آنها ساکن شهرستان‌های مختلفی هستند و اکثر آنها در فضای مجازی با گروگانگیران آشنا شده و فریبشان را خوردند. گروگانگیران درخواست نیروی کار می‌کردند و گروگان‌ها نیز با تصور اینکه فرار است در یک شرکت خصوصی و سرمایه‌گذاری در زمینه ارز دیجیتال کار کنند راهی پایتخت می‌شدند، اما به نام گروگانگیران که اعضای شرکت هرمی بودند، گرفتار می‌شدند. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه ۱۳متهم این پرونده دستگیر شدند. آنها گروگانگیری و اخذی را قبول داشتند، اما قتل مرد همسایه را انکار می‌کردند و می‌گفتند نقشی در مرگ او نداشتند.

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ - شماره ۹۳۶۶



صفحه ۱ از ۱ علیرضا بهرامی

خبر خوب

نوروز امن با کاهش ۱۷درصدی جرائم



معاون فرهنگی اجتماعی و سخنگوی پلیس در نشست هم‌اندیشی با خبرنگاران از دستاوردهای بزرگ پلیس در ایام نوروز گفت. به گزارش همشهری، سردار سعید منتظرالمهدی، با اشاره به اینکه تأمین امنیت حدود ۲میلیون سفر زمینی و هوایی، یکی از اولویتهای اصلی پلیس در ایام نوروز بود، گفت: با استقرار نیروهای پلیس در فرودگاه‌ها و تأسیسات هوایی و ریلی کشور، امنیت بالغ بر ۳میلیون و ۶۰۰هزار مسافر در بیش از ۲هزار و ۲۰۰سورتی پرواز و ۲هزار و ۴۰۰ارام قطار، تأمین و از بروز هرگونه مشکل و ناهنجاری جلوگیری شد. آمار برخی از موفقیت‌های پلیس در تعطیلات نوروز نسبت به سال گذشته از این قرار است:

کاهش ۵درصدی تصادفات

کاهش ۲۱درصدی جنایت‌خاک‌خوردگی در ایام نوروز

بیش از ۵۷هزار خودروی متخلف حادثه‌ساز در این ایام توقیف شدند.

کاهش ۱۸درصدی مصدومان تصادفات

نسبت به سال گذشته

تأمین امنیت با حضور هواپیمایی پلیس با انجام ۳۳۵سورتی پرواز امدادی و جاده‌ای و پوشش هوایی بی‌نظیر و انتقال ۵۲مخروح به مراکز درمانی

۲۵۰هزار مأمور انتظامی و ۱۴هزار واحد گشتی، مراقب جان و مال مسافران بودند

۷۰درصد کل سرقت‌ها در این ایام منجر به کشف شد

۱۰۰درصد خودروهای مسروقه و ۹۵درصد بار و کالای سرقتی در این ایام کشف شد

آدم‌ربایی، ۱۸درصد قتل، ۴۳درصد و جرائم سایبری ۱۳درصد کاهش یافت

بیش از ۲هزار و ۱۰۰واحد گشت مرزی

در این ایام فعال بودند

گشت‌های شناوری ۶۶درصد افزایش یافتند و از ورود حدود هزار و ۳۰۰ترد در غیر معیار، مواد مخدر، قاچاق و تهدیدات امنیتی جلوگیری شد

مجموع وقوع جرائم در این ایام ۱۷درصد کاهش یافت

۸۲،۲درصد از کل جرائم کشف شد

نسبت میزان کشف به وقوع جرائم ۱۹،۴درصد کاهش یافت

۴مأمور پلیس در ایام نوروز در عملیات مختلف شهید شدند

جنبایی

مهلت برای عامل کورس مرگبار

اولیای دم مرد جوانی که ۳سال قبل در جریان یک کورس خیابانی به قتل رسیده بود، حکم قصاص قاتل را اجرا نکردند و به او مهلت ۲ماهه دادند.

به گزارش همشهری، شروع این پرونده به اواخر تابستان سال ۱۴۰۱ برمی‌گردد. آن روز به تیم جنبایی پایتخت خبر رسید که مردی جوان هدف ضربات چاقو قرار گرفته و به قتل رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول سوار بر ماشین خود بود و در خیابان‌های جنوب غرب تهران با یک‌راننده دیگر کورس گذاشته است. منظور که شاهدان می‌گفتند رانندگان خودرو، مدام از یکدیگر سبقت گرفته و با سرعت بالا در حال حرکت بودند اما دقایقی بعد توقف کردند و به مشاجره یا یکدیگر پرداختند. در جریان این درگیری، یکی از راننده‌ها دیگری را به قتل رساند.

پشیمانی

با توجه به سرخندگی موجود، عامل قتل دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. او گفت: به هیچ عنوان قصد جنایت نداشتم و همه‌چیز در یک لحظه رخ داد. او ادامه داد: من و مقتول در حال کورس گذاشتن بودیم اما در آخر به‌خاطر چشم در چشم شدن باهم درگیر شدیم. خیلی عصبانی بودم اما نمی‌خواستم مرد جوان بمیرد. ناخواسته به او ضربه زدم و حالا به‌شدت پشیمانم.

مهلت

عامل این درگیری مرگبار در دادگاه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شد. این حکم به تأیید قضات دیوان عالی کشور رسید و پرونده برای انجام مقدمات اجرای حکم به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنبایی تهران فرستاده شد. قرار بود قاتل به‌زودی پای چوبه دار برود و قصاص شود اما دیروز جلسه صلح و سازش در دادسرای جنبایی تهران برگزار شد. قاتل با التماس از اولیای دم خواست تا به او زندگی ببخشند. سرانجام اولیای دم که پدر و مادر مقتول هستند، تصمیم گرفتند حکم را اجرا نکنند و به قاتل مهلت ۲ماهه بدهند. تلاش‌ها در این پرونده برای جلب رضایت نهایتی از اولیای دم ادامه دارد.